



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

Mahr in Comparative Perspective: Legal Guarantees and Spousal Responsibilities in Iran and Egypt

Fatemeh Rajaei¹, Leila Samani², Hossein Jamalán³

1. Associate Prof. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Member of the Youth Research Core on Population, Women and Family, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. (Corresponding Author)

Email: F.rajaei@hsu.ac.ir

2. Assistant Prof., Department of Family Law Studies, Women's Research Center, Alzahra University, Tehran, Iran.

Email: l.samani@alzahra.ac.ir

3. M.A., Private of Law, Faculty of Theology and Islamic Studies Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

Email: Jamalan.hossein@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received 5 Feb 2026

Received in revised form 28 Feb 2026

Accepted 6 Apr 2026

Available online 22 May 2026

Keywords:

Mahr,
Enforcement,
Iran,
Egypt,
Spousal Responsibility.

Although mahr and its enforcement mechanisms constitute one of the most significant issues in family law, comparative and cross-jurisdictional analyses of legal systems can, in many disputes before family courts, provide a foundation for developing effective legislative and executive solutions grounded in Islamic jurisprudence. Such approaches, by identifying the strengths and weaknesses of existing legal frameworks, may also contribute to greater legislative coherence among Islamic jurisdictions. Accordingly, this study employs a descriptive-analytical method within a comparative framework to examine spousal liability in cases involving the loss of, or defects in, a specified mahr in Iran and Egypt. The findings reveal both similarities and differences in several key areas, including liability for loss of the mahr prior to its delivery to the wife, responsibility for defects arising after the conclusion of the marriage contract but before delivery, the legal treatment of connected and disconnected increments to the specified mahr, and the resulting legal consequences. These consequences include, depending on the circumstances, compensation, damages, entitlement to annulment, or payment of the equivalent value of the mahr. The study concludes that, in significant cases concerning disputes over specified mahr, a reconciliatory approach between the Imami and Hanafi jurisprudential schools is largely supported, suggesting the potential for doctrinal convergence and harmonization in contemporary family law across both jurisdictions. This comparative insight may assist policymakers in refining statutory approaches and enhancing predictability and fairness in adjudicating mahr-related disputes within family law systems.

Cite this article: Rajaei, Fatemeh., Samani, Leila., Jamalán, Hossein. (2026). Mahr in Comparative Perspective: Legal Guarantees and Spousal Responsibilities in Iran and Egypt. *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 4 (1), 101- 125. <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2052542.1099>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2052542.1099>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

بررسی تطبیقی ضمانت زوجین نسبت به مهریه معینه در حقوق ایران و مصر

فاطمه رجایی^۱ | لیلا ثمنی^۲ | حسین جمالان^۳

۱. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، عضو هسته پژوهشی جوانی جمعیت، زنان و خانواده، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. (نویسنده مسئول)

رایانامه: F.rajaei@hsu.ac.ir

۲. استادیار گروه مطالعات حقوق خانواده، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران. رایانامه: I.samani@alzahra.ac.ir

۳. دانش آموخته ارشد حقوق خصوصی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. رایانامه: Jamalan.hossein@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نظر به اینکه مهریه و ضمانت اجرای آن، از مسائل مهم حقوق خانواده است و از سوی دیگر مطالعه تطبیقی و مقایسه حقوق کشورها می‌تواند در بسیاری از مسائل مطروحه در دادگاه‌های خانواده منشأ ایجاد قوانین و راهکارهای اجرایی مؤثر مبتنی بر فقه اسلامی باشد که از مزایای آن کشف نقاط قوت و ضعف قوانین و در نتیجه تقویت وحدت تقنینی در کشورهای اسلامی است؛ لذا در این نوشتار به بررسی چگونگی مسئولیت هر یک از زوجین در صورت تلف یا بروز عیب در مهریه معینه، در میان کشورهای ایران و مصر پرداخته شده است.

در این راستا پژوهش بر روش توصیفی-تحلیلی و با نگاهی تطبیقی میان قوانین دو کشور ایران و مصر سامان یافته است.

یافته‌ها حاکی از وجود اشتراکات و اختلافات متعددی در مسائلی از جمله ضمان تلف مهر پیش از قبض زوجیه؛ ضمان معیوب شدن مهریه پس از عقد و قبل از تسلیم؛ ضمان نمائات متصل و منفصل مهریه معینه و مسئولیت ناشی از آن (پرداخت ارض، مطالبه خسارت، تعلق حق خیار، پرداخت مثل یا قیمت) در هر یک از فروض مختلف است.

از نتایج پژوهش اینکه در موارد قابل توجهی در خصوص مهریه عین معینه، نظریه تقریب میان مذاهب امامیه و حنفی و به تبع قانون کشورهای ایران و مصر مورد تأیید است.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۰۱

کلیدواژه‌ها:

مهریه،

ضمانت اجرا،

ایران،

مصر،

مسئولیت زوجین.

استناد: رجایی، فاطمه؛ ثمنی، لیلا؛ جمالان، حسین (۱۴۰۵). بررسی تطبیقی ضمانت زوجین نسبت به مهریه معینه در حقوق ایران و مصر. *مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی*، ۴ (۱)، ۱۰۱-۱۲۵.

<http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2052542.1099>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



مقدمه

در دهه‌های اخیر در همه کشورها با عنایت به درک موضوع اهمیت سلامت و تحکیم خانواده و لزوم حمایت حکومتی از حقوق زوجین در راستای تشکیل و تقویت نهاد خانواده، تلاش‌هایی برای تصویب قوانین و همچنین ایجاد سیاست‌هایی در خصوص تنظیم روابط زوجینی، در حال انجام است. امروزه حقوق خانواده از مهم‌ترین گرایش‌های حقوق محسوب می‌شود و قوانین خاصی در همه کشورها به خانواده اختصاص پیدا کرده و بعضاً هر ساله به‌روزرسانی می‌شوند.^۱ از طرفی ضرورت توجه به حفظ نهاد خانواده علاوه بر نصوص فقهی امامیه و قوانین ایران، در قوانین دیگر کشورهای مسلمان نیز مورد توجه و تأکید قرار گرفته است و لذا احکام و قواعد متعددی ناظر به تنظیم روابط زوجین، مورد بحث حقوقی و اجتهاد فقهی قرار گرفته است. علاوه بر آن فواید فقه مقارن و بررسی تفاوت میان قوانین کشورهای اسلامی در موضوعات جزئی که موجب ارتقا و پیشرفت قوانین اسلامی و ضمانت اجراهای آن می‌شود، بر کسی پوشیده نیست. از این‌رو کشور مصر به‌عنوان نمونه‌ای از کشورهای مسلمان که قوانین آن بر مبنای فقه اسلامی تنظیم شده است، برای بررسی تطبیقی انتخاب شد. این انتخاب از این جهت بوده که مصر، کشوری اسلامی و دارای نظام حقوقی مترقی در میان دیگر کشورهای عربی است.^۲

یکی از مهم‌ترین مسائل بین زوجینی در کشورهای اسلامی، مهریه است که پرداختن به ضمانت اجراهای لازم در شقوق مختلف آن مانع ایجاد تعارض میان زوجین و در نتیجه انحلال خانواده می‌شود. بر این اساس قوانین ناظر به تنظیم روابط زوجینی در حیطه‌ی مسئولیت‌های هریک از زوجین، در قبال تلف یا معیوب شدن مهریه‌ای که عین معینه است، در کشور ایران و مصر با روش کتابخانه‌ای - اسنادی و شیوه ترکیبی توصیفی - تحلیلی و تطبیقی در پی پاسخ به پرسش‌هایی از قبیل موارد ذیل مورد مطالعه قرار گرفته است:

مسئولیت زوج نسبت به مهریه در صورت کشف عیب و یا نقصان مهر قبل یا هنگام عقد یا بعد از عقد و قبل از تسلیم چیست؟ در مواردی که زوجه مهر را دریافت کرده است و مهریه تلف یا معیوب شده است درحالی که به عللی موظف است کل یا بخشی از آن را به زوج برگرداند، ضمان وی چگونه است؟ ضمان و مسئولیت زوج اگر مهریه‌ای که استرداد شده است افزایش مادی یا معنوی (نمات) داشته است، چگونه است؟ ذکر یک پیش فرض و دو نکته مهم مقدماتی قبل از ورود به بحث، ضروری به نظر می‌رسد:

پیش فرض: مالی که به‌عنوان مهر تعیین می‌گردد، می‌تواند عین معین (همچون زمین و ماشین) یا منفعت (مانند سکونت در یک خانه به مدت مشخص) یا یک عمل که دارای منفعت اقتصادی است (مانند آموزش یک هنر یا ساختن یک خانه) باشد. در مورد منفعتی مثل آموزش یک هنر یا حرفه که مهر قرار گیرد، در فقه حنفی ظاهر بر عدم جواز است. نظر دیگری که توسط متأخرین بیان شده، جایز بودن قرار دادن تعلیم علوم دینی و قرآن به‌عنوان مهر با اخذ اجرت است؛ چون هر چیزی که بتوان بر آن اجرت گرفت، می‌تواند به‌عنوان مهر قرار گیرد. (ابن عابدین، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۰۸) اما در این پژوهش ضمانت زوجین در مقابل مهریه‌ای مورد مطالعه قرار می‌گیرد که به‌صورت عین معین قرار داده شده است.

۱- از جمله قوانین مربوط به حضانت و ملاقات کودک که اخیراً در کشورهای آمریکا و کانادا به روز رسانی شده است.

۲- اصل نهم قانون اساسی مصر مصوب ۱۳۵۸ «خانواده اساس جامعه است که بنیان آن بر پایه‌های مذهب، اخلاق و مبین‌پرستی برقرار شده است. حکومت در جهت حفظ کیان و ویژگی اصیل خانواده مصری و تمامی ارزش‌ها و سنن که خانواده نماینده آن است، کوشیده و در عین حال در پی ارتقاء این ویژگی در درون روابط فیما بین جامعه مصری می‌باشد».

نکته اول - حقوق خانواده در هر دو کشور ایران و مصر و از جمله احکام و مسائل مربوط به مهریه، مطابق با آموزه‌های دین اسلام است؛ اما حقوق ایران، قواعد و احکام مهر را بر مبنای فقه امامیه پذیرفته و حقوق مصر با توجه به فقه حنفی به آن‌ها پرداخته است.

نکته دوم - احکام مهر در حقوق ایران در قانون مدنی بیان شده است. در حقوق مصر احکام خانواده و مهر در قانونی مجزا از قانون مدنی تحت عنوان قانون احوال شخصیه آورده شده است. البته تنها یک ماده در این قانون به مهر اختصاص داده شده است لذا به‌ناچار برای بررسی بیشتر قواعد و مسائل آن باید به فقه و نظرات فقهای حنفی رجوع کرد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که مرتبط با موضوع بررسی تطبیقی ضمانت اجرای زوجین در خصوص مهریه معیوب یا تلف‌شده در حقوق ایران و مصر نوشته شده باشند را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد. بخشی از آن‌ها به‌صورت کلی به مباحث مهریه می‌پردازند از جمله آن‌ها می‌توان به کتابی با عنوان «مهریه در حقوق ایران و مصر» نوشته احسان حیدری چاپ سال و ۱۳۹۶ پایان‌نامه با عنوان «مهرالمثل در حقوق مدنی ایران مصر و سوریه» نوشته محمدرضا یکدانه دفاع شده در سال ۷۶ در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام اشاره کرد. این دسته بیشتر به جنبه فقهی و نه حقوقی نظر دارند؛ ضمن اینکه یا مسائل را به‌صورت کلی و بدون ورود به شقوق مسئولیت زوجین مطرح کرده‌اند و یا اینکه به بررسی موردی خاصی مانند مهرالمثل اکتفا کرده‌اند. درحالی‌که بحث این مقاله بسیار جزئی و دارای شقوق است. دسته دیگر به بررسی مسئله مهریه در قوانین ایران یا بررسی تطبیقی فقه امامیه و مذاهب فقهی اهل تسنن پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به مقاله «تحولات و نوآوری‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در مورد مهریه» (نوشته عباسی فرد، آهنگری، پاشازاده، بهزادی) و مقاله «مباحثی در حقوق زوجه بنا بر فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت» (نوشته فروغ پارسا) اشاره کرد؛ اما چنانچه بررسی شد در خصوص ضمانت اجرا و مسئولیت هر یک از زوجین در قبال شقوق مختلف تلف یا معیوب شدن مهریه به‌صورت تطبیقی میان حقوق ایران و مصر تحقیقاتی به دست نیامد.

۱. ادبیات موضوع

۱-۱. مهریه در حقوق ایران و مصر

مهریه و ضمانت اجرای آن در قانون مدنی ایران ذیل مواد ۱۰۷۸ الی ۱۱۰۱ تبیین شده است. اگرچه پرداخت مهر از جانب مرد به زن، یک الزام قانونی و شرعی است، اما اکثریت فقها اتفاق نظر دارند که وجود مهر رکن عقد نکاح نیست و عقد می‌تواند بدون ذکر مهر منعقد شود (مغنیه، ۱۳۷۹، ص ۷۳؛ القدوری، ۱۴۱۸، ق، ص ۱۴۷). به‌عبارت‌دیگر، مهریه در نکاح همانند عوض در معامله نیست. وقتی نکاح بدون ذکر مهر منعقد می‌شود، به این عمل در فقه تفویض بضع و به چنین زنی مفوضه البضع گفته می‌شود. (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ص ۳۱۷). پس می‌توان بدون اشاره به مهر، نکاح را منعقد ساخت، ولی در هر صورت مهر بعد از عقد تعیین و پرداخت خواهد شد (ماده‌ی ۱۰۸۷ ق.م). اما گاهی شرط می‌شود که زن هیچ مهری نداشته باشد که این شرط نامشروع و باطل است؛ زیرا استحقاق مهر

یک الزام قانونی و شرعی است. حتی بعضی معتقدند این شرط، عقد را نیز باطل می‌کند؛ اما همان‌طور که گفتیم مهر رکن اصلی و شرط صحت نکاح نیست (۱۰۸۱ ق.م.) و نباید به عقد خللی برساند.

مهریه یا مهر، یکی از اجزای اساسی عقد ازدواج در مصر است که به‌عنوان حق زن و تکلیف شوهر شناخته می‌شود. این مبلغ قبل از مراسم ازدواج مورد توافق قرار می‌گیرد و هدف آن تأمین امنیت مالی زن است. چارچوب قانونی حاکم بر مهریه در مصر به‌طور پیچیده‌ای با قوانین اسلامی و مفاد مندرج در قانون اساسی مصر و قوانین موضوعه گره خورده است. قانون اساسی جمهوری عربی مصر سلسله مراتبی از قوانین را تعیین می‌کند که در آن خود قانون اساسی بالاترین مرجع را دارد و پس از آن قوانین پارلمانی، احکام ریاست جمهوری و تصمیمات مختلف اداری قرار می‌گیرند. (دیده‌بان حقوق بشر (HRW)، طلاق از عدالت: دسترسی نابرابر زنان به طلاق در مصر، ۱۶۰۸، ۱ دسامبر ۲۰۰۴، <https://www.refworld.org/reference/countryrep/hrw/2004/en/40244> [دسترسی در ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۵])

طبق قانون اساسی سال ۱۹۷۱ کشور مصر، مبانی شرعی اسلام در قالب فقه حنفی به‌صورت رسمی به‌عنوان مبدأ قانون‌گذاری انتخاب شده است (آل مدکس، ۱۳۸۵: ۴۶۲-۴۵۹). از طرفی با وجود تغییراتی که در قانون اساسی مصر در سال‌های متمادی رخ داد، هنوز ماده ۲ آن که دین رسمی کشور مصر را اسلام و منبع اصلی تقنین را مبانی شریعت اسلامی قرار می‌دهد، تغییر نکرده است؛ زیرا علمای اسلامی در مصر همواره بر این امر تأکید داشته و مانع انحراف قوانین از منابع اسلامی شدند. (احمدشاکر، ۱۴۰۷، ص ۲۳ و غراب، ۱۹۸۶، ص ۱). در مصر اولین قانون احوال شخصیه در خصوص تنظیم روابط خانواده در سال ۱۹۱۵ تصویب شد. تا اوایل قرن بیستم قضات در صدور حکم قضایی ملزم به رعایت آرای فقهای حنفی بودند و در صورت وجود اختلاف، باید عقیده‌ی مشهور فقهای مذهب حنفی را اعمال می‌کردند. به تدریج از دهه‌های دوم و سوم قرن بیستم، تلاش شد تا با قانون‌گذاری به روش کشورهای غربی اصلاحاتی در قانون احوال شخصیه نیز صورت گیرد. (منقبی، ۱۳۸۶، ص ۷۱). در هر صورت، این اصلاحات، وصف اسلامی مقررات را دچار خدشه نکرد. (قانون احوال شخصیه ۱۳۹۸ مندرج در سایت شفقتنا) و امروزه به‌تبع قانون اساسی، قانون احوال شخصیه، بر مبنای قول مشهور فقهای حنفی است (جمالان و دیگران، ۱۴۰۰) و لذا در ماده‌ی ۳ این قانون به این امر اشاره دارد که در صورتی که نص قانونی برای رفع خصومت پیدا نشد، باید به فقه حنفی رجوع کرد.^۲ (مصاحبه دیده‌بان حقوق بشر با قاضی، قاهره، ۱ ژوئیه ۲۰۰۴. ماده ۵، قانون شماره ۱۰ (۲۰۰۴)) بنابراین در قانون مصر، مفهوم «مهریه» از شریعت حنفی که نظام حقوقی اسلامی است، گرفته شده است. شریعت حنفی بر چهار منبع اصلی بنا شده است: قرآن، سنت (اعمال پیامبر اسلام)، قیاس (استدلال قیاسی) و اجماع (اجماع میان علما) در نتیجه در نظام حقوقی مصر، مهریه (صداق) به‌عنوان یکی از حقوق مالی زوجه در عقد نکاح، بر اساس فقه حنفی و قوانین مدون احوال شخصیه (مانند قانون شماره ۱ سال ۲۰۰۰) تنظیم می‌شود. در نظام حقوقی مصر، تضمین پرداخت مهریه پیش از تحقق کامل ازدواج - یعنی پیش از هم‌زیستی زوجین - یکی از جنبه‌های کلیدی قراردادهای

۱- ماده ۲ قانون اساسی مصر: اسلام دین و آیین حاکم بر کشور و عربی زبان رسمی و اصول شریعت اسلامی منبع اصلی قانونگذاری در آن است.

۲- ماده ۱ قانون مدنی مصر: در صورت نبودن قانون قابل اجرا، قاضی به اقتضای عرف و در صورت نبودن عرف، به اقتضای اصول شریعت اسلامی و در صورت نبودن چنین اصولی، به اقتضای قواعد عدالت حکم صادر می‌کند.

ماده ۳ قانون احوال شخصیه مصر: در مسائل احوال شخصیه، چنانچه نص قانونی موجود نباشد، به قول ارجح در مذهب حنفی عمل می‌شود.

ازدواج اسلامی است که ریشه در فقه حنفی و قوانین وضعیت شخصی مصر دارد.^۱ مهریه (مهر)، تعهدی مالی از سوی زوج به زوجه، به‌عنوان ابزاری برای تأمین امنیت اقتصادی زنان در چارچوب شریعت اسلامی عمل می‌کند. بر اساس قانون شماره ۲۵ سال ۱۹۲۹ مصر (با اصلاحات بعدی، به‌ویژه قانون شماره ۱ سال ۲۰۰۰)، مهریه به دو بخش تقسیم می‌شود: مهریه مقدم (مُقَدَّم) که پیش از عقد یا در زمان آن پرداخت می‌شود و مهریه مؤخر (مُؤَخَّر) که در صورت طلاق یا فوت شوهر قابل مطالبه است تضمین پرداخت مهریه مقدم پیش از هم‌زیستی، از حقوق مالی زوجه در برابر عدم تحقق ازدواج محافظت می‌کند. ماده ۲۰ قانون شماره ۲۵ سال ۱۹۲۹ (با اصلاحات)^۲ مقرر می‌دارد که در صورت انعقاد قرارداد ازدواج معتبر اما عدم تحقق هم‌زیستی، زوجه مستحق دریافت کامل مهریه مقدم و نیمی از مهریه مؤخر است. این مکانیسم حقوقی که بخشی از اصلاحات قانونی قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم مصر برای تقویت جایگاه زنان است، با اصول اسلامی عدالت هم‌خوانی دارد. با این حال، عرف‌های اجتماعی و نابرابری‌های جنسیتی همچنان موانعی برای اجرای کامل این حقوق ایجاد می‌کنند (أبو زهره، ۱۳۶۹: ۱۲۰-۱۲۵). عدم پرداخت مهریه مقدم می‌تواند قرارداد ازدواج را باطل کند که این امر بر نقش محوری مهریه در حفظ تعادل حقوقی و اجتماعی در روابط زناشویی تأکید دارد. این چارچوب، ترکیبی از اصول اسلامی و اصلاحات مدرن را منعکس می‌کند که برای کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی زنان در بستر ازدواج طراحی شده است. (سنه‌وری، ۲۰۰۹: ۱۰۰-۱۰۵؛ مرسی و البدرای، ۲۰۱۰: ۱۵۰-۱۵۵). هدف از تصویب قانون شماره ۱۰ سال ۲۰۰۴ که دادگاه‌های خانواده را در مصر تأسیس کرد، ایجاد چارچوبی ساختارمندتر برای رسیدگی به اختلافات خانوادگی، از جمله اختلافات مربوط به مهریه، بود. ماده ۵ این قانون، ایجاد دفاتر حل اختلاف خانوادگی با حضور متخصصان حقوقی، اجتماعی و روانشناسی را الزامی می‌کند و از این طریق، دسترسی به مراجع قانونی را برای زنانی که به دنبال احقاق حقوق مهریه خود هستند، افزایش می‌دهد. علیرغم این پیشرفت‌های قانونی، بسیاری از زنان از حقوق خود در مورد مهریه بی‌اطلاع هستند و ممکن است از مفادی که به آن‌ها اجازه می‌دهد در قراردادهای ازدواج شرایط را مذاکره کنند، مطلع نباشند. این قانون، اختیار قضایی قابل توجهی را مجاز می‌داند و دادگاه‌ها را قادر می‌سازد تا میزان آسیب را در مهریه معینه تفسیر کرده و بر اساس آن در مورد ضمانت‌های مالی مرتبط تصمیم بگیرند. (صالح، أحمد ۲۰۱۵: ۱۸۰-۱۸۵)

بنابراین مهریه نیز در حقوق مصر طبق فقه حنفی، حقی برای زوجه بر ذمه‌ی زوج معرفی می‌شود که پرداخت آن واجب است. (ابوزهره، ۱۳۶۹ ق، ص ۱۶۹) و لازم است که مهر مالیت و حلیت شرعی داشته باشد؛ یعنی ارزش و قابلیت دادوستد اقتصادی را دارا باشد (سرخسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۸۰) پس مثلاً آب دریا و شراب را نمی‌توان به‌عنوان مهر قرار داد. در صورت عدم رعایت این مورد، مهر باطل خواهد بود و مهرالمثل به زن تعلق خواهد گرفت.

۱-۲. ضمانت اجرا و مسئولیت زوجین در قبال مهریه

با انعقاد عقد نکاح زوجه مالک مهر می‌شود و می‌تواند آن را مطالبه کند. شوهر نیز موظف است آن را پرداخت کند؛ اما گاهی ممکن است مهریه تلف شود یا معیوب و دارای نقص شود. در این صورت چه ضمانتی بر عهده زوج یا زوجه خواهد بود؟

۱- قانون رقم ۱۳۱ لسنة ۱۹۴۸ بإصدار القانون المدنی، الجريدة الرسمية، العدد ۲۳، ۱۳ أغسطس ۱۹۴۸. [متن کامل در دسترس در: <https://www.egypt.gov.eg/pdf/131/gov.eg/arabic/laws/1948>]

۲- (۱۹۲۰). قانون الأحوال الشخصية (قانون رقم ۲۵ لسنة ۱۹۲۰). در دسترس از: <https://www.moj.gov.eg>

ضمانت معاوضی در عقد نکاح مورد قبول نیست اگرچه برخی قائل به شبهه معاوضی بودن آن هستند. ممکن است وقتی به برخی احکام مهر و نکاح توجه می‌کنیم، این دیدگاه پیش آید که نکاح ۱۰ با توجه به ماده‌ی ۱۰۸۱ قانون مدنی یک عقد معاوضی است و مهر هم در آن، جایگاه یک عوض دارد. (جمالان و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۲۷۹) برخی از تعاریف و نظراتی که در مورد مهر بیان شده است، همچون در نظر گرفتن مهر در مقابل استمتاع زوج از زوجه یا وجود برخی از احکام معاملات مانند حق حبس که در مورد مهر وجود دارد، این شائبه را تأیید می‌کند؛ اما وقتی به‌طور دقیق‌تر به مهر و نکاح می‌نگریم، متوجه می‌شویم که این گمان خطاست. از طرفی توجه به آیات قرآن نشان می‌دهد که مهر در نکاح جنبه‌ی معاوضی ندارد و با توجه به قرینه‌های موجود، می‌توان برداشت‌های دیگری از برخی واژه‌ها داشت. (شکری، ۱۳۹۰، ص ۶). همین‌طور توجه به احکام مهر و نکاح، نشان می‌دهد که مهر در مقابل استمتاع و به‌عنوان یک عوض قرار نمی‌گیرد. (سرخسی، ۱۴۱۴، ق، ص ۶۲) چراکه برخلاف عقود معاوضی مثل بیع که طرفین با عقد مالک عوضین می‌شوند، در نکاح، مرد با وجود پرداخت مهریه، مالک زن یا به عبارتی مالک بضع نمی‌شود؛ بلکه حق انتفاع از آن را پیدا می‌کند. (ثمنی و بهرامی، ۱۳۹۷) وجود قواعدی مانند امکان انعقاد عقد نکاح بدون ذکر مهر، جریان نداشتن خیار غبن در مهر و اینکه اگر مهر فاسد و در نتیجه باطل باشد، به عقد لطمه‌ای نمی‌زند و اینکه با الفاظ معاوضه امکان انشای عقد نکاح وجود ندارد و اینکه هر عیبی در نکاح موجب خیار عیب نمی‌شود، نشان می‌دهد که مهر فرع بر عقد و یکی از آثار آن است و ماهیت حقیقی نکاح، غیراقتصادی است (جمالان و دیگران، ۱۴۰۰، ۲۷۸).

طبق ضمانت‌هایی که بر اساس قاعده فقهی «علی الید ما اخذت حتی تودیبه» می‌باشد وقتی شخصی مالی را در تصرف خود دارد که باید به‌عنوان عوض به طرف دیگر بدهد یا نسبت به آن، ید ضمانتی غیر عدوانی است و مسئولیت او این‌گونه خواهد بود که در صورت تلف آن باید مثل یا قیمت آن را بدهد. منظور از ضامن بودن زوج که در ماده ۱۰۸۴ ق. م آمده همین ضمانت است؛ بنابراین قرارداد مهر یا نکاح دچار خلل نمی‌گردد.

در عین حال در فروعی ضمانت و مسئولیت پرداخت مهریه بر عهده زوجه است. ضمانت زوجه در برابر مهریه را زمانی می‌توان تصور کرد که زوج کل یا بخشی از مهریه را به زوجه پرداخت کرده باشد ولی به عللی که در ادامه ذکر می‌شود، پرداخت آن از عهده زوج ساقط شده باشد.

در قانون مصر، مفهوم «ضمانت عدم کفایت» در مورد مهریه بخش جدایی‌ناپذیری از حقوق زنان در چارچوب ازدواج است. طبق فقه اسلامی و قوانین احوال شخصیه مصر، زن پس از ازدواج مستحق دریافت مهریه خود است که شامل بخش معوق و هرگونه ضمانت مالی اضافی است که ممکن است در عقد ازدواج قید شود. این ضمانت مالی برای تأمین حقوق زن و تضمین جبران سهم او در ازدواج، به‌ویژه در موارد طلاق یا رد ازدواج، به کار می‌رود. مداخلات قضایی در مورد مهریه می‌تواند ناشی از دلایل مختلفی باشد، از جمله عدم تأمین نفقه، بیماری روانی، غیبت یا حبس شوهر. علاوه بر این، آسیب (ضرر) که شامل اشکال مختلف آسیب مانند خشونت جسمی یا کلامی، تعدد زوجات یا محرومیت از رابطه زناشویی می‌شود، نیز دلیل معتبری برای درخواست طلاق قضایی و رسیدگی به مسائل مهریه است.

۱-۳. موارد سقوط کل مهریه در ایران و مصر

مهریه در قانون ایران حق زوجه است و باید به او داده شود. در حقوق ایران طرفین می‌توانند هنگام عقد راجع به مهر توافقی نکنند و بعداً راجع به آن تصمیم بگیرند اما این شرط که زن اصلاً مهری نداشته باشد باطل است و اگر نزدیکی صورت گرفته باشد مهرالمثل به او داده می‌شود. همین‌طور اگر راجع به مهر توافقی صورت نگیرد و قبل از نزدیکی طلاق انجام شود مهرالمتعه به زوجه داده می‌شود. با همه این‌ها مواردی پیش می‌آید که حق زوجه نسبت به مهر ساقط می‌شود و هیچ مهری به او تعلق نمی‌گیرد.

زمانی که مهر ضمن عقد مشخص شده و عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی از جهاتی که در مواد ۱۱۲۱ تا ۱۱۲۸ ق. م ذکر شده فسخ شود. در این مورد بنا بر ماده ۱۱۰۱ ق. م حق زوجه نسبت به مهر ساقط می‌شود و نمی‌تواند آن را مطالبه کند.

زمانی که مهر ضمن عقد مشخص نشده و پیش از این که نزدیکی صورت گیرد یکی از زوجین فوت کند یا نکاح فسخ شود از آن جا که شرایط پرداخت مهرالمثل و مهرالمتعه هم وجود ندارد بنابراین زوجه حقی برای دریافت مهر نخواهد داشت.

زمانی که فسخ عقد به این دلیل باشد که زن تدلیس نموده و مرد را فریب داده است^۱ حتی اگر نزدیکی هم انجام شده باشد حق زوجه نسبت به مهر ساقط می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۷، ص ۲۷۹). برخلاف دو مورد قبل که درباره آن‌ها اتفاق نظر وجود دارد در این مورد اختلاف نظر هست. برخی معتقدند با وقوع نزدیکی مهر استقرار پیدا کرده است و دلیلی برای سقوط مهر وجود ندارد. ضمن این که با توجه به ماده ۱۰۸۲ و مفهوم مخالف ماده ۱۱۰۱ ق. م می‌توان این نظر را برداشت کرد (صفایی و امامی، ص ۱۹۷)

طبق ماده ۱۰۹۸ ق. م چنانچه به دلایلی مثل این که معلوم شود زوجه از خویشان زوج است که امکان ازدواج با او وجود ندارد عقد نکاح باطل باشد و نزدیکی هم انجام نشده باشد زن استحقاق مهر نخواهد داشت. از آن جایی که عقد باطل بوده پرداخت مهرالمسمی دلیلی ندارد. همچنین چون نزدیکی انجام نشده پرداخت مهرالمثل هم منتفی است.

در حقوق مصر در موارد زیر که انحلال نکاح پیش از نزدیکی انجام شود؛ تمام مهر ساقط می‌شود.

چنانچه علت جدایی که باعث انحلال نکاح شده زوجه باشد. مثل این که مرتد شود یا بعد از بلوغ عقد را فسخ کند (کاسانی ج ۲، ۱۴۰۶: ۲۹۵)

چنانچه زوج اقدام به فسخ عقد کند. مثل این که پس از افاقه از جنون اقدام به این امر کند.

در صورتی که ولی زوجه سبب انحلال عقد باشد؛ مانند این که نکاح را به علت این که زوج هم کفو زوجه نبوده فسخ کند. چون فسخ از جانب ولی زوجه مانند فسخ از جانب خود او می‌باشد بنابراین زوجه استحقاق مهر نخواهد داشت. (صادقی، ۱۳۹۱: ۲۲)

زوجه می‌تواند در صورتی که اهلیت داشته باشد کل مهر را به زوج هبه یا ابراء کند و باعث سقوط مهر شود. ابراء به معنای چشم‌پوشی داوطلبانه زوجه از مهریه است که باید بدون اکراه یا فشار انجام شود. بر اساس فقه حنفی، ابراء یک عمل حقوقی یک‌جانبه است که نیاز به رضایت زوج ندارد، اما باید به صورت رسمی ثبت شود (ابن ۱- منظور از تدلیس سکوت نسبت به عیب خارج از خلقت با وجود علم بر آن یا ادعای وجود سلامت یا صفتی است که وجود ندارد. در این صورت این اختیار برای زوج خواهد بود که برای گرفتن مهر به زوجه یا به شخص دیگری که موجب تدلیس شده رجوع کند.

عابدین، ۱۹۹۲، ج ۴، ص ۳۱۲). ماده ۱۷ قانون احوال شخصیه مصر نیز این حق را برای زوجه به رسمیت می‌شناسد، مشروط بر اینکه رضایت کامل و آگاهانه باشد (الشناوی، ۲۰۱۰، ص ۲۵۰).

طلاق خلع یکی از شایع‌ترین موارد سقوط مهریه در حقوق مصر است. در این نوع طلاق، زوجه با توافق با زوج، در ازای چشم‌پوشی از تمام یا بخشی از مهریه، درخواست انحلال نکاح می‌کند (القانون رقم ۱ لسنة ۲۰۰۰، المادة ۲۰). بر اساس فقه حنفی، اگر زوجه به‌طور کامل از مهریه خود صرف‌نظر کند، این حق به‌طور کامل ساقط می‌شود (ابن عابدین، ۱۹۹۲، ج ۳، ص ۴۵۶). این توافق باید به‌صورت کتبی و در حضور شاهدین یا در دادگاه ثبت شود تا از نظر قانونی معتبر باشد.

۱-۴. موارد تنصیف مهریه در ایران و مصر

هرچند در حقوق ایران طبق ماده ۱۰۸۲ ق. م زن با عقد مالک تمام مهر می‌شود و حق هر گونه دخل و تصرفی در آن دارد اما این مالکیت نسبت به نصف مهر به‌طور کامل نمی‌باشد و مواردی در قانون پیش‌بینی شده که طبق آن‌ها حق زن نسبت به نصف مهر ساقط می‌شود و او تنها حق مطالبه نصف مهر را خواهد داشت که در زیر به آن‌ها خواهیم پرداخت.

طبق ماده ۱۰۹۲ ق. م چنانچه مهر ضمن عقد مشخص شده است اگر پیش از وقوع نزدیکی طلاق انجام شود زوجه استحقاق نصف مهر را خواهد داشت. اگر مهر تعیین نشده باشد و قرار بوده شخص دیگری مهر را تعیین کند و این شخص قبل از تعیین مهر و وقوع نزدیکی فوت کند در صورت طلاق، مهرالمتعنه تنصیف می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۴۳) در مقابل عده‌ای معتقدند ماده ۱۰۹۲ مربوط به مهرالمسمی است و در صورت فوت داور اگر طرفین داور دیگری را انتخاب نکنند یا خود درباره مهر تراضی نکنند اختیار تعیین مهر با دادگاه می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ذیللم ۱۰۸۹ و ۱۰۹۲)

بنا بر قسمت دوم ماده ۱۱۰۱ ق. م هنگامی که مهر ضمن عقد مشخص شده و عقد نکاح به دلیل عنن یا ناتوانی جنسی مرد فسخ شود نصف مهر به زن تعلق می‌گیرد. در مورد زمانی که مهری ضمن عقد تعیین نشده و فسخ به علت عنن موجب انحلال نکاح می‌شود برخی معتقدند زوجه استحقاق نصف مهرالمثل را خواهد داشت (محقق داماد، ۱۳۸۷، ص ۲۸۰)؛ اما برخی به این مورد اشاره‌ای نکرده‌اند و معتقدند اصولاً در صورت فسخ نکاح پیش از نزدیکی مهری به زن تعلق نمی‌گیرد و حکم بیان شده استثنائی بر قاعده است که فقهای امامیه بر اساس روایات بیان کرده‌اند (صفایی؛ امامی، ۱۳۹۴: ۱۹۶).

مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد ماده ۱۰۹۷ ق. م می‌باشد که تنصیف مهر در نکاح موقت را بیان کرده است. طبق این ماده چنانچه زوج در نکاح موقت، پیش از نزدیکی از حق خود نسبت به مدت باقی‌مانده صرف‌نظر کند یا به‌اصطلاح بذل مدت کند نصف مهر به زوجه تعلق می‌گیرد.

طبق فقه حنفی و در حقوق مصر در مواردی نصف مهر ساقط می‌شود:

چنانچه مهر ضمن عقد مشخص شده باشد و قبل از نزدیکی و یا خلوت طلاق انجام شود نصف مهریه به زوجه تعلق می‌گیرد. این حکم در آیه ۲۳۷ سوره بقره نیز بیان شده است. اگر مهر تعیین شده کم‌تر از ده درهم باشد علاوه بر نصف آن پنج درهم دیگر نیز به زوجه تعلق می‌گیرد. (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۲۹۸)

در صورتی که نکاح به دلایلی مانند وجود عیب مخفی در یکی از طرفین (مانند ناتوانی جنسی زوج یا بیماری مخفی) یا تخلف از شروط مندرج در عقدنامه فسخ شود و این فسخ قبل از نزدیکی رخ دهد، زوجه تنها مستحق نصف مهریه است. ماده ۹ قانون احوال شخصیه مصر این موضوع را تأیید می‌کند و بیان می‌دارد که در صورت فسخ قبل از دخول، مهریه به نصف کاهش می‌یابد، مگر اینکه زوجه به‌طور داوطلبانه از کل مهریه چشم‌پوشی کند (الشناوی، ۲۰۱۰، ص ۲۳۰). در فقه حنفی نیز، الکاسانی این اصل را تأیید کرده و توضیح می‌دهد که فسخ قبل از دخول به دلیل عدم تکمیل رابطه زوجیت، مهریه را به نصف محدود می‌کند (الکاسانی، ۱۹۸۶، ج ۵، ص ۱۴۸).

اگر زوج قبل از نزدیکی یا خلوت در مواردی مثل این که وقتی زوجه مسلمان می‌شود از اسلام آوردن امتناع کند باعث جدایی باشد نصف مهر به زوجه تعلق می‌گیرد. (صادقی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۶)

در صورتی که زوج قبل از نزدیکی فوت کند، زوجه مستحق نصف مهریه است. این حکم بر اساس فقه حنفی و ماده ۱۷ قانون احوال شخصیه مصر اعمال می‌شود که تصریح می‌کند در صورت انحلال نکاح به دلیل فوت زوج قبل از دخول، زوجه حق دریافت نصف مهریه را دارد (الزحیلی، ۲۰۰۶، ج ۹، ص ۷۲۰). این اصل در رویه قضایی مصر نیز مورد تأیید قرار گرفته است (محکمه النقض، حکم شماره ۲۰۰۸/۳۲). در حقوق مصر، مهریه به دو بخش معجل (پرداخت فوری) و مؤجل (پرداخت در آینده) تقسیم می‌شود. در موارد ذکر شده، نصف شدن مهریه معمولاً به کل مقدار مهریه (معجل و مؤجل) اعمال می‌شود، مگر اینکه در عقدنامه شرط خاصی ذکر شده باشد (الشناوی، ۲۰۱۰، ص ۲۲۰). در تمامی موارد فوق، اگر زوجه به‌طور داوطلبانه از کل یا بخشی از مهریه چشم‌پوشی کند (ابراء)، ممکن است مهریه به‌طور کامل ساقط شود یا به میزان توافق شده کاهش یابد (ابن عابدین، ۱۹۹۲، ج ۴، ص ۳۱۲). دادگاه‌های خانواده مصر در تفسیر این احکام به فقه حنفی و قوانین مدون احوال شخصیه استناد می‌کنند. هرگونه اختلاف در این موارد معمولاً بر اساس شواهد و اسناد عقدنامه بررسی می‌شود (محکمه النقض، حکم شماره ۲۰۰۵/۴۵).

۲. بحث

۲-۱. مصادیق ضمانت زوج

چنانچه گذشت، در حقوق مصر، مهریه (صداق) به‌عنوان یکی از حقوق مالی زوجه در عقد نکاح، بر اساس فقه حنفی و قوانین مدون احوال شخصیه (مانند قانون شماره ۱ سال ۲۰۰۰) تنظیم می‌شود. مهریه در حقوق مصر می‌تواند به‌صورت نقدی، عینی یا منفعت باشد (الشناوی، ۲۰۱۰، ص ۲۲۰). در صورتی که مهریه عینی باشد و این مال قبل از تسلیم به زوجه تلف شود، قواعد مربوط به ضمان و تلف مال معین بر آن اعمال می‌شود. بر اساس فقه حنفی، مهریه دینی است که بر ذمه زوج قرار می‌گیرد، اما اگر مال معینی به‌عنوان مهریه تعیین شده باشد، زوج موظف به تسلیم همان مال است (ابن عابدین، ۱۹۹۲، ج ۳، ص ۴۶۰) و طبق قاعده «التلف قبل القبض من مالک» (تلف مال قبل از قبض بر عهده مالک است) اعمال می‌شود (الکاسانی، ۱۹۸۶، ج ۵، ص ۱۵۲).

۲-۱-۱. تلف مهریه نزد زوج

سؤال: اگر قبل از این که مهر تسلیم زن شود دچار عیب و نقصان شود یا تلف شود مسئولیت آن بر عهده چه کسی است؟

قانون مدنی ایران در ماده ۱۰۸۴ حکم این مسئله را مشخص کرده و مسئولیت را بر عهده زوج گذاشته است. طبق این ماده چنانچه مهر به صورت عین معین تعیین شده باشد و مشخص شود که هنگام عقد دارای عیب بوده یا این که قبل از تسلیم معیوب بوده و یا از بین رفته است زوج ضامن عیب و تلف خواهد بود. این حکم مطابق نظر مشهور فقهای امامیه می باشد که در مقابل نظری که بیان می کند در این وضعیت، ضمان به طور معاوضی است و قرارداد راجع به مهر باید منفسخ شده و در صورت دخول مهرالمثل به زن تعلق گیرد معتقدند زوج ضامن است؛ اما ضمان، ضمانت است. (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۲۴۱؛ کاتوزیان، ۱۳۸۸: ص ۱۴۴)

پس در صورت تلف مهر قبل از تسلیم آن به زوجه، ضمان به عهده زوج است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد. هرگاه تلف به علت فعل و تقصیر زوج باشد بنا بر اتلاف و تسبیب نیز می توان وی را ضامن دانست. در صورتی که تلف ناشی از فعل زوجه باشد مانند این است که زوجه مهر را قبض کرده دیگر زوج مسئولیتی ندارد (طوسی ۱۳۸۷ ق، ج ۴، ص ۲۸۵). اگر تلف به فعل شخص ثالثی باشد زوجه می تواند به زوج یا آن شخص برای گرفتن مثل یا قیمت رجوع کند.

در صورتی که قرار بر دادن قیمت مهر شد این که چه روزی باید ملاک پرداخت قرار گیرد قیمت روز تلف به عنوان نظر مشهور بیان شده است اما برخی معتقدند قیمت زمان صدور حکم یا پرداخت و تسلیم بهتر است و با قواعد ضمانت متناسب تر است (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۲۴۱؛ کاتوزیان، ۱۳۸۸: ص ۱۴۴). نکته قابل توجه این که ضمانت زوج در صورتی است که مهر عین معین باشد؛ چراکه در مهر کلی قبل از تعیین مصداق و تسلیم آن بحث تلف پیش نمی آید. مگر این که قبل از تسلیم زوج مصداق مهر را صریحاً مشخص کرده باشند؛ بنابراین در صورت تلف مهر، زوج ضامن است زیرا مقتضای ماهیت مهر و نکاح این است که اگر قائل به انحلال مهر باشیم به نوعی قبول کردیم که مهر نقش عوض را در نکاح دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ص ۱۴۲).

در این حالت زوج مسئول تلف مهریه معینه است، زیرا مال تا زمان تسلیم در مالکیت او باقی می ماند و زوجه به دلیل عدم دریافت مال، از مسئولیت تلف معاف است؛ بنابراین زوج موظف است بدل مهریه را بپردازد (الزحیلی، ۲۰۰۶، ج ۹، ص ۶۸۰). بدل مهریه معمولاً به صورت ارزش مالی مال در زمان عقد یا زمان تلف (بسته به توافق یا عرف قضایی) محاسبه می شود. لذا در ماده ۱۷ قانون احوال شخصیه مصر (القانون رقم ۱ لسنة ۲۰۰۰) به طور ضمنی این اصل را تأیید می کند، زیرا زوج را مکلف به پرداخت مهریه یا معادل آن در صورت عدم امکان تسلیم می داند (الشناوی، ۲۰۱۰، ص ۲۳۸).

در این حالت صورتی که ارزش مهریه معینه در عقدنامه مشخص شده باشد (مثلاً به مبلغ معینی توافق شده باشد)، زوج موظف به پرداخت همان مبلغ است؛ اما اگر ارزش مشخص نشده باشد، دادگاه با استناد به نظر کارشناس، ارزش مهریه معینه در زمان عقد یا تلف را تعیین می کند (محکمه النقض، حکم شماره ۲۰۱۰/۵۶). در فقه حنفی، اگر تلف به دلیل حادثه ای غیر قابل اجتناب (قوه قاهره) رخ دهد، زوج همچنان مسئول است، زیرا مال در مالکیت او بوده است (ابن عابدین، ۱۹۹۲، ج ۴، ص ۳۱۵). این اصل در حقوق مصر نیز پذیرفته شده است، مگر اینکه طرفین در عقدنامه شرط خاصی (مانند معافیت زوج در صورت قوه قاهره) تعیین کرده باشند. در رویه قضایی مصر، دادگاه های خانواده

۱- «إذا كان المهر عيناً معيّنَةً، فتلفت قبل التسليم بسبب غير منسوب إلى الزوج، فإن على الزوج أن يؤدي بدلها إلى الزوجة، لأن التزامه مازال قائماً حتى يسلم المهر» (السنهوري، الوسيط، ج ۴، ص ۵۶۸). این دیدگاه منطبق با ماده ۴۹۸ قانون مدنی مصر است که به لزوم تسلیم مهر سالم و قابل انتفاع دلالت دارد و در صورت عیب فاحش، زن حق مطالبه بدل را دارد.

معمولاً در چنین مواردی زوج را مکلف به پرداخت معادل ارزش مهریه می‌کنند. به‌عنوان مثال، در حکمی از محکمه النقص (حکم شماره ۲۰۰۷/۳۴)، دادگاه تأکید کرد که در صورت تلف مال معین قبل از تسلیم، زوج باید ارزش مالی آن را به زوجه بپردازد، مگر اینکه توافق دیگری وجود داشته باشد. این ارزش معمولاً بر اساس عرف بازار یا ارزیابی کارشناسی تعیین می‌شود.

همچنان که اکثریت فقهای حنفی همچون شیخ سرخسی و کاسانی به ضمان شوهر اشاره کرده‌اند و زوج را موظف دانسته‌اند چنانچه مهر معین پیش از تسلیم به زوجه تلف شد بدل آن را تقدیم کند. (سرخسی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۷۴؛ کاسانی ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۳۱۰).

۲-۱-۲. معیوب یا ناقص شدن مهریه قبل یا هنگام عقد

چنانچه مشخص شود مهر قبل یا هنگام عقد معیوب بوده است همان‌طور که گفتیم زوج ضامن است و ضمان این‌گونه خواهد بود که زوجه می‌تواند با توجه خیار عیب که در ماده ۴۲۲ ق.م به آن اشاره شده مهر را فسخ کند و مثل یا قیمت آن را مطالبه کند. یا این‌که از فسخ صرف‌نظر کند و درخواست ارش کند. هرچند این نظر مطابق نظر مشهور فقها می‌باشد صاحب جواهر آن را مطابق قاعده نمی‌داند. به نظر او اگر زوجه بخواهد از اختیار خود مبنی بر فسخ مهر استفاده کند در این حالت نکاح بدون مهر می‌شود و در این‌جا باید گفت اگر نزدیکی صورت گرفته باشد مهرالمثل واجب می‌شود و مطالبه مثل یا قیمت مهر از زوج بدون دلیل به نظر می‌رسد. به عقیده صاحب جواهر این نظر مشهور به استناد اجماع که دارای حجت است این‌گونه بیان شده است. (نجفی، ۱۳۶۲: ۳۱، ۴۱).

در حقوق مصر، اگر مهریه عینی قبل از عقد یا هنگام عقد معیوب یا ناقص باشد، زوجه در صورت آگاهی از عیب می‌تواند آن را بپذیرد و در صورت عدم آگاهی، حق انتخاب بین پذیرش مال با جبران ارش یا درخواست فسخ مهریه و دریافت معادل ارزش مال سالم یا مهرالمثل را دارد. زوج مسئول جبران نقص یا ارائه جایگزین است، مگر اینکه زوجه صراحتاً مال معیوب را پذیرفته باشد. این احکام بر اساس فقه حنفی و مواد قانونی مانند ماده ۹ و ۱۷ قانون احوال شخصیه مصر (القانون رقم ۱ لسنة ۲۰۰۰) و رویه قضایی اعمال می‌شود.

۲-۱-۳. معیوب یا ناقص شدن مهریه بعد از عقد و قبل از تسلیم

هنگامی که عیب پس از عقد و قبل از تسلیم مهر به زوجه ظهور کند دو نظر بیان شده است. نظر اول با استناد به ماده ۴۲۵ ق.م بیان می‌کند که عیبی که بعد از عقد و قبل از تسلیم در مهر بروز می‌کند هم چون عیب سابق است و بنابراین همان نتیجه‌ای را در بر خواهد داشت که عیب هنگام عقد دارد که در بالا توضیح داده شد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۴۳). نظر دوم که نظر مشهور نیز می‌باشد، این‌گونه است که مطابق ضمانت زوج، فقط امکان گرفتن ارش وجود دارد؛ چراکه مهر هنگام عقد سالم بوده و اصل، لزوم مالکیت زوجه بر آن است. در واقع این حالت مانند این است که بخشی از مهر تلف شده و باید عوض آن داده شود. این نظر با حقوق ما متناسب‌تر به نظر می‌رسد (صفایی و امامی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۳)

در حقوق مصر اگر عیب موجود در مهر، قبل از قبض (تحویل) ظاهر شود، باید میان عیب فاحش (غیرقابل اغماض) و عیب جزئی (قابل تحمل) تفکیک کرد. در صورتی که عیب فاحش باشد که موجب کاهش محسوس در

ارزش یا انتفاع از مهر شود، زن می‌تواند از تحویل آن امتناع ورزد و درخواست بدل (مثل یا قیمت) نماید، زیرا تسلیم عین معیوب، خلاف مقتضای عقد است؛ اما اگر عیب کم‌اهمیت باشد و عرف آن را قابل گذشت بداند، زن فقط حق مطالبه ارزش (تفاوت بین قیمت سالم و معیوب) دارد و نمی‌تواند از دریافت مهر امتناع کند. منابع فقهی مانند «الوسیط فی شرح القانون المدنی» اثر السنهوری (سنهوری ۲، ۲۰۰۹، ۱۰۳) و نیز فتاوی دارالافتاء مصر بر این تفکیک صحه می‌گذارند.

اما سرخسی معتقد است اگر عیب بعد از عقد و قبل از قبض بدون تقصیر طرفین به وجود آمده باشد چنانچه عیب کم باشد زوجه حقی برای مطالبه نخواهد داشت؛ چراکه اگر چنین عیبی هنگام عقد هم وجود داشت خیاری برای او ثابت نمی‌شد؛ اما اگر عیب حاصله زیاد باشد زوجه می‌تواند همان مهر دارای عیب را قبول کند یا این قیمت روز عقد نکاح را درخواست کند اما حقی برای دریافت مابه‌تفاوت مهر سالم و عوض ندارد؛ زیرا ضمان شوهر نسبت به مهر طبق عقد به خود مهر تعلق می‌گیرد نه اوصاف آن (سرخسی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۷۴).

در قانون مصر اگر عیب به خاطر فعل خود زوجه ایجاد شده باشد چه عیب کم باشد چه زیاد حقی برای وی نخواهد بود و تنها همان مهر را دریافت می‌کند. اگر عیب به خاطر فعل زوج ایجاد شده باشد اگر عیب کم باشد زوجه تنها می‌تواند مهر را بگیرد و جبران عیب یا ارزش را نیز مطالبه کند ولی نمی‌تواند مهر را رد کند و تقاضا قیمت آن را داشته باشد. در صورتی که عیب زیاد باشد هرچند که از ابوحنیفه نقل شده که در این‌جا اگر زوجه بخواهد مهر معیوب را بگیرد غیر از آن حقی ندارد؛ اما نظر بهتر این است که زوجه بتواند یا مهر معیوب با ارزش را بگیرد یا این که قیمت روز عقد را درخواست کند (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۱۰) و لذا مطابق قواعد عمومی مسؤولیت مدنی مصر (ماده ۱۶۳ ق.م) اگر شوهر مقصر در تلف یا معیوب شدن مهر باشد، زن نه‌تنها مستحق بدل مهر است بلکه می‌تواند خسارت تأخیر یا زیان ناشی از آن را نیز مطالبه کند.

اما در صورتی که عیب از جانب اجنبی ایجاد شده باشد؛ اگر عیب کم باشد؛ زوجه می‌تواند مهر معیوب همراه با ارزش را از او مطالبه کند. اگر عیب زیاد باشد؛ این اختیار را نیز دارد که قیمت روز عقد را از زوج درخواست کند و در این صورت زوج می‌تواند برای گرفتن خسارت به اجنبی رجوع کند. (عینی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۹۶)

۲-۲. موارد ضمانت زوجه نسبت به مهریه

با توجه به صور سقوط کل یا بخشی از مهریه از عهده زوج در حقوق ایران و مصر که در مباحث قبلی گذشت، اگر مهر در مدت‌زمانی که در تصرف زوجه بوده از حالت اصلی خود خارج شده باشد به‌طور مثال معیوب یا تلف شده یا چیزی به آن اضافه شده باشد، ضمانت زوجه چگونه است؟

۲-۲-۱. ضمانت زوجه نسبت به تلف و عیب مهر

اگر مهریه پس از دریافت از سوی زوجه و تصرف در آن و سقوط آن از عهده زوج، تلف یا معیوب شود ضمانت زوجه به شرح ذیل است.

در حقوق ایران در صورتی که مهر تلف شده باشد زوجه باید مثل یا قیمت آن را به زوج بدهد. همین‌طور در موردی که باید نصف مهر بازگردانده شود؛ باید مثل نصف یا قیمت نصف مهر به زوج داده شود. چنانچه عین مهر

از ملکیت زوجه خارج شده باشد و به دیگری انتقال یافته باشد؛ اگر این انتقال با عقدی لازم انجام شده باشد که زوجه نتواند آن را فسخ کند مانند این است که مهر تلف شده و همان حکم را دارد؛ اما اگر امکان فسخ و انحلال عقد برای زوجه فراهم باشد وی می‌تواند با فسخ عقد، نصف مهر را به زوج بدهد. در غیر این صورت حکم همان است که بیان شد. در مورد دادن قیمت مهر، قیمت زمان طلاق باید ملاک قرار گیرد. در مورد معیوب شدن مهر در زمان مالکیت زن نیز زوج استحقاق دریافت کامل یا نصف مهر بنا بر هر مورد به‌علاوه ارزش به‌عنوان تفاوت قیمت سالم و معیوب را خواهد داشت. هرچند برخی معتقدند مثل یا قیمت بدون ارزش به زوج تعلق می‌گیرد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵).

قانون‌گذار مصر در احوال شخصیه، گاهی بر اساس مصلحت، در مباحثی مانند طلاق للضرر، خلع و... به مذاهب فقهی دیگر غیر از فقه حنفی رجوع کرده است؛ به‌ویژه از مالکی و نیز برخی اقوال شافعی استفاده شده است.^۱ قواعد عملی مربوط به مهر نیز در رویه و شروح مصری بر همان مبانی فقهی استوار است، لذا در حقوق مصر اگر زن بدون مجوز، موجب تلف یا عیب مهر شود، حق مطالبه بدل مهر را ندارد و تنها در حد باقی‌مانده از مهر (در صورت جزئی بودن عیب) می‌تواند مطالبه داشته باشد. این نکته در فقه مالکی (الزحیلی، ۲۰۰۶، ج ۹، ۷۲۶) و برخی آراء شافعی (الجزیری، ۱۴۲۴، ج ۴، ۱۳۰-۱۳۱) نیز مورد تأکید قرار گرفته که قانون‌گذار مصری از آن‌ها تأثیر پذیرفته است و اگر تلف مهر بعد از قبض توسط زوجه صورت گیرد و بنا بر مورد قرار بر برگشت کل یا نصف مهر به زوج باشد، وی باید مثل یا قیمت آن را بدهد. (ابوزهره، ۱۳۶۹ ق، ص ۱۸۹؛ البدرای، ۲۰۱۰: ۱۵۳) در مورد عیب و نقصان مهر در صورتی که طبق شرایط باید نصف مهر به شوهر بازگردد اگر عیب ایجاد شده توسط زوجه کم باشد زوج تنها استحقاق همان نصف مهر را خواهد داشت. (همان‌جا) ولی اگر عیب زیاد و فاحش باشد این اختیار برای زوج وجود دارد که همان نصف مهر را بگیرد یا این که نصف قیمت مهر در روز قبض را مطالبه کند. اگر عیب بدون تقصیر زوجه هم ایجاد شده باشد همین حکم جاری است. در صورتی که عیب از جانب شخص ثالثی ایجاد شده باشد زوج علاوه بر نصف مهر می‌تواند برای گرفتن نصف قیمت عیب یا نقص نیز به شخص ثالث یا زوجه رجوع کند. اگر هم عیب از جانب خود زوج باشد جز گرفتن نصف مهر حق دیگری نخواهد داشت. (صادقی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۴)

۲-۲-۲. ضمان زوجه نسبت به نمائات مهریه

هرگاه قرار بر این شد که مهر به زوج برگردانده شود تکلیف افزایش مادی یا معنوی یا همان نمائات که در زمان مالکیت زن ایجاد شده چیست؟ نمائات یا متصل است یا منفصل. نمائات متصل مانند فربه شدن حیوان چون از اصل مهر جدا شدنی نیست در صورتی که قرار باشد نصف مهر به زوج برگردد نصف این نمائات نیز به او می‌رسد و زوج باید افزایش قیمت ناشی از ارزش‌افزوده شده را به زوجه بپردازد. هرچند نظر مشهور این است که اختیار به زن داده شود که بتواند عین مهر را نگه دارد و قیمت نصف آن را به زوج بدهد؛ اما نظر اول قوی‌تر به نظر می‌رسد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۵۸). در مورد نمائات منفصل که از اصل مهر جدا شدنی می‌باشد مانند میوه درخت باید گفت چون این نمائات در زمانی ایجاد شده که مهر در مالکیت زوجه بوده و در ملک او ایجاد شده بنابراین همه آن مال او خواهد بود و چیزی از آن به زوج داده نمی‌شود.

۱- المذکره الإيضاحیه لقانون رقم ۲۵ لسنة ۱۹۲۰ (وتعدیلاته بقانون ۱۹۸۵/۱۰۰) در دسترس از: <https://www.moj.gov.eg/>

اگر بنا بر شرایط، قرار بر دادن قیمت مهر شد در صورتی که در فاصله زمانی میان نکاح و انحلال آن قیمت مهر بر مبنای تغییر سطح قیمت‌ها دچار تغییر شده باشد نظر مشهور فقهای امامیه این است که زوج باید کم‌ترین میزان قیمت را پرداخت کند. چراکه تغییرات صورت گرفته در قیمت مهر در زمانی انجام شده که مهر در ملکیت زن بوده است و نباید زوج را درباره آن مسئول دانست. در حقوق مصر اگر در صورتی که مهر تسلیم زوج شده باشد و قبل از قضاوت در مورد تنصیف مهریه که درید زوج است مهر دچار افزایش شده باشد؛ حال این افزایش چه برآمده از اصل مهر باشد مانند اسب که دارای کره شده یا نه مثل بنایی که در زمین ساخته شده، نصف نمی‌شود و همه این زیاده حاصل شده متعلق به زوج است و زوج تنها استحقاق نصف مهر را خواهد داشت. ولی چنانچه این افزایش ایجاد شده از اصل مهر بعد از حکم بر تنصیف مهر حاصل شده باشد چون در واقع در ملک هر دو ایجاد شده است آن نیز نصف می‌شود و به زوج داده می‌شود. (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۷۷)

۲-۲-۳. ضمانت زوج در صورت ابراء یا هبه مهریه

اگر مهر به صورت کلی مثلاً مقداری پول یا این که عین معین بوده باشد و زوج آن را به زوج ابراء یا هبه کرده باشد باید دید طبق شرایط مذکور چنانچه جدایی واقع شود آیا این امکان برای زوج وجود دارد تا بتواند ادعای استحقاق خود بر نیمی از آن را داشته باشد؟ در پاسخ باید گفت هرچند که در مورد دین بر ذمه، نظر مشهور این است که چنین حقی را برای زوج قائل هستند و این گونه استدلال می‌کنند که ابراء از موجبات سقوط دین است و مانند این است که زوج آن را پرداخت کرده اما دکترین با توجه ظاهر ماده ۱۰۹۲ ق.م این نظر را متناسب با انصاف و عدالت نمی‌دانند و معتقدند زوج نمی‌تواند چنین ادعایی را مطالبه کند (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۵۳؛ صفایی، ۱۳۹۴: ۱۹۴). هم‌چنین می‌توان در مورد مهر به صورت عین معین نیز همین نظر را ابراز کرد چراکه عرف نمی‌پذیرد که زوج موظف باشد نصف چیزی را که نگرفته، به زوج بازگرداند. در حقوق مصر در موردی که مهر به صورت وجه نقد باشد و زوج آن را به زوج ببخشد و قبل از نزدیکی طلاق انجام شود در این که آیا زوج می‌تواند درخواست نصف مهر را داشته باشد یا نه دو حالت مطرح شده است. اگر قبل از قبض مهر بخشیده شود چنین حقی برای زوج وجود نخواهد داشت. ولی اگر بعد از قبض باشد زوج می‌تواند برای دریافت نصف مهر به زوج رجوع کند؛ چراکه بعد از دریافت مهر آن پول نیز مانند دیگر اموال زوج است و ارتباطی به مهر ندارد. حتی اگر زوج بگوید این مبلغ را که به عنوان مهر گرفتم به تو می‌بخشم باز هم تفاوتی ندارد. در موردی هم که مهر عین معین باشد اگر به زوج بخشیده شود دیگر حق رجوع به نصف برای وی نخواهد بود چه قبل قبض باشد یا بعد از آن. (بدران، بی‌تا: ۲۱۹)

نتیجه‌گیری

از آنجایی که مبنای قوانین در دو کشور ایران و مصر، اسلام است لذا مبحث مهریه و مسئولیت درباره آن دارای شباهت‌های بسیاری است؛ اما در مقابل با توجه به اینکه در قانون ایران ذکر شده در صورتی که حکمی در این قانون یافت نشود باید به نظرات فقه امامیه و در قانون مصر ذکر شده در صورتی که حکمی در این قانون یافت نشود باید به نظرات فقه حنفی رجوع کرد و با توجه به تفاوت‌های فرهنگی در دو کشور افتراقاتی نیز در این زمینه دیده می‌شود. منبع اصلی حقوق خانواده در مصر احکام بیان شده در فقه حنفی است. متناسب نبودن برخی از این

احکام با مقتضیات عصر کنونی و اختیار قاضی در چگونگی برداشت و تفسیر از این احکام باعث بروز مشکلات متعددی در این زمینه می‌شود. با توجه به اهمیت حقوق خانواده و در جهت ایجاد راهکاری جهت رفع این دغدغه‌ها لزوم ایجاد قانونی جامع در زمینه‌ی حقوق خانواده در کشور مصر احساس می‌شود. بر همین مبنا الازهر مصر با اقدام به پژوهش در این زمینه قانونی را در ۱۹۲ ماده به رشته تحریر درآورده که در صورت تصویب آن، می‌توان گفت اولین قانون یکپارچه در حوزه حقوق خانواده در کشور مصر خواهد بود. نقطه قوتی که قواعد مهریه در ایران نسبت به مصر دارد این است که این قواعد به صورت کامل و منظم در قانون مدنی ایران بر اساس نظرات مشهور فقها امامیه گردآوری شده و جایی برای تشتت آرا و نظرات باقی نمی‌گذارد. در مقابل در حقوق مصر در قانون احوال شخصیه این کشور مواد معدودی به مهریه اختصاص داده شده و طبق قانون اساسی لازم است به نظرات علمای فقه حنفی رجوع شود. برخی دیگر از نتایج مهم تحقیق عبارت‌اند از:

در حقوق ایران و مصر ضمان تلف مهر پیش از قبض زوجه بر عهده زوج می‌باشد و ضمان هم ضمانت خواهد بود. در مورد عیب مهر پیش از قبض اگر عیب پس از عقد و قبل از تسلیم باشد در حقوق ایران نظر ارجح این است که تنها امکان گرفتن ارش وجود خواهد داشت. در حقوق مصر (علاوه بر تشتت آرا فقها که اشاره شد) در این مورد گفته شده اگر عیب کم باشد زوجه حقی برای مطالبه خسارت و یا خیار نخواهد داشت اما اگر عیب زیاد باشد می‌تواند به جای مهر قیمت آن در روز عقد را مطالبه کند اما نمی‌تواند تقاضای ارش کند.

در حقوق ایران و مصر در مواردی کل مهر ساقط می‌شود و زوجه حقی بر مهر نخواهد داشت. گاهی نیز نصف مهر به زوجه تعلق می‌گیرد. برخی از این موارد در حقوق دو کشور مشابه هستند مثل موردی که عقد نکاح به دلایلی باطل بوده و نزدیکی هم انجام نشده است که مهر ساقط می‌شود. یا موردی که طلاق پیش از نزدیکی انجام شود و نصف مهر به زوجه داده می‌شود. تفاوت‌هایی هم در این زمینه وجود دارد. در حقوق مصر طبق فقه حنفی ولی زوجه گاهی می‌تواند عقد را فسخ کند و باعث سقوط مهر شود اما چنین حکمی در حقوق ایران مشاهده نمی‌شود.

در حقوق هر دو کشور در مواردی که تمام یا نصف مهر ساقط شده باشد اگر زوجه قبلاً مهر را دریافت کرده باشد باید آن را برگرداند و در صورتی که مهر تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد. در صورت معیوب شدن مهر در حقوق ایران زوج می‌تواند مطالبه ارش داشته باشد. در حقوق مصر اما اگر عیب کم باشد زوج حقی ندارد اما اگر عیب زیاد باشد زوج می‌تواند قیمت مهر در زمان قبض را مطالبه کند. در صورتی که مهر دچار اضافات و نمائات شده باشد در حقوق ایران گفته شده که از نمائات منفصل چیزی به زوج تعلق نمی‌گیرد. در مورد نمائات متصل نیز نصف آن به زوج داده می‌شود و او باید افزایش قیمت ناشی از ارزش افزوده را به زوجه پرداخت کند. در حقوق مصر این مسئله بستگی به این دارد که افزایش ایجاد شده در مهر بعد از حکم بر تنصیف مهر باشد یا قبل از آن.

در مورد این موضوع که آیا در صورتی که زوجه مهر را به زوج بخشیده یا ابراء کرده باشد و طلاق پیش از نزدیکی انجام شود زوج می‌تواند نصف مهر را مطالبه کند یا نه؛ در حقوق ایران گفتیم که نباید چنین حقی را برای زوج قائل بود. در حقوق مصر اگر مهر عین معین باشد حق رجوع برای مهر نخواهد بود اما اگر مهر به‌طور کلی باشد در صورتی زوج می‌تواند رجوع کند که زوجه مهر را قبض کرده و سپس بخشیده باشد.

در حقوق مصر مهریه به‌عنوان یک ضمانت حیاتی برای زنان در روابط زناشویی تلقی می‌شود و به‌عنوان عاملی بازدارنده در برابر انحلال اتفاقی ازدواج عمل می‌کند. میزان مهریه تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله توانایی مالی، هنجارهای فرهنگی، انتظارات خانواده و اصول انصاف و عدالت است. علماً عموماً طرفدار این هستند که مهریه به شکل ثروت یا مزایای ارزشمند باشد و اطمینان حاصل کنند که با آموزه‌های اسلامی و واقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی معاصر همسو باشد. در مقابل، قانون ایران رویکرد ساختاریافته‌تری به تعهدات مربوط به مهریه ارائه می‌دهد و مقررات صریحی در قانون مدنی اسلامی برای آن ذکر شده است. در اینجا، مسئولیت شوهر در قبال مهریه به‌وضوح در عقد ازدواج تعریف شده است و امکان اجرای بهتر و دسترسی به حقوق زنان در موارد طلاق یا جدایی را فراهم می‌کند. در نتیجه اجرای توافقات مهریه چالش‌های قابل توجهی را در نظام حقوقی مصر آشکار کرده است. دادگاه‌ها اغلب به دلیل نگرانی در مورد تفسیر آموزه‌های مذهبی و انطباق با قانون قراردادهای، در اجرای این توافقات تردید دارند و این امر موانعی را برای زنانی که به دنبال عدالت هستند ایجاد می‌کند. لذا بیان می‌شود که جنجال پیرامون اینکه کدام تفاسیر از قوانین اسلامی باید در دعاوی مربوط به مهریه اعمال شود، نقش دادگاه‌ها را پیچیده می‌کند و منجر به این برداشت می‌شود که این پرونده‌ها انگیزه‌های غیر سکولار دارند.

منابع

- قرآن کریم
 قانون مدنی ایران
 قانون اساسی مصر
 قانون احوال شخصیه مصر
 آل مدکس، ر. (۱۳۸۵). قوانین اساسی کشورهای جهان. مترجم: سید مقداد ترابی. تهران: شهر دانش.
 ابن عابدین، محمد امین. (۱۹۹۲). رد المختار علی الدر المختار. بیروت: دار الفکر.
 ابن عابدین، محمد امین. (۱۴۱۲ ق). الدر المختار و حاشیه ابن عابدین. ج ۳، بیروت: دارالفکر عربی.
 ابوزهره، محمد. (۱۳۶۹ ق). الأحوال الشخصية (أحكام الأسرة فی الإسلام). الطبعة الثالثة قاهره: دارالفکر عربی.
 احمد، شاکر. (عبدالقادر، احمد بن محمد). (۱۴۰۷ ق). الكتاب والسنة يجب أن يكونا مصدر القوانين فی مصر. بی جا: دار الکتب السلفیه، الطبعة الثالثة.
 بدران، ابوالعینین. (بی تا). الفقه المقارن للاحوال الشخصية. بی جا: دارالنهضة العربیه.
 پارسا، فروغ. (۱۳۸۱). مباحثی در حقوق زوجه بنا بر فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت. فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه الزهرا شماره ۴۱.
 ثمنی، لیلا؛ بهرامی، لیلا. (۱۳۹۸). نظام حاکم بر بضع و منافع جنسی زنان در فقه امامیه. فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی سال پنجاه و دوم بهار و تابستان شماره ۱.
 الجزیری، عبد الرحمن. (۱۴۲۴). الفقه علی المذاهب الأربعة. بیروت: دار الحدیث/دار الکتب العلمیه.
 جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۶). دوره متوسط حقوق مدنی حقوق خانواده. تهران: گنج دانش.
 جمالان، حسین و همکاران. (۱۴۰۰). واکاوی شرایط مهر و پرداخت آن به نرخ روز در حقوق ایران و مصر. فقه و حقوق خانواده، دوره ۲۶ شماره ۷۵، پاییز و زمستان.
 حیدری، احسان. (۱۳۹۶). مهریه در حقوق ایران و مصر. تهران: میعاد اندیشه.
 دار الإفتاء المصریه. فتاوی رسمی مربوط به تسلیم مهر معیوب و ضمان آن.
 الزحیلی، وهبه. (۲۰۰۶). الفقه الإسلامی وأدلته. دمشق: دار الفکر.
 سایت شفقنا، اخبار. فروردین. <https://news.com.shafaqna.fa://https://731124/1398>
 سرخسی، محمد بن احمد بن ابی سهل. (۱۴۱۴ ق). المبسوط. بیروت: دارالمعرفه.
 السنهوری، عبدالرزاق. (۲۰۰۹). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید. بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه.
 شکری، فریده. (۱۳۹۰). افزایش مهریه در نظام حقوقی ایران. فقه و حقوق دانشگاه امام صادق، ش ۵۴، دوره ۱۶، صص ۷۷ - ۹۸.
 الشناوی، عبد العزیز. (۲۰۱۰). الأحوال الشخصية فی القانون المصری. قاهره: دار النهضة العربیه.
 صادقی، محمد (۱۳۹۱). انواع شرایط و اسباب مهر در مذهب حنفی. مطالعات فقهی و فلسفی شماره ۹ صص ۷ تا ۳۲.
 صادقی، محمد (۱۳۹۴). احوال شخصیه اهل سنت (نکاح) در مذهب شافعی و حنفی. انتشارات خرسندی.
 صالح، أحمد. (۲۰۱۵). القضاء فی مصر: دراسة فی التطور التاريخی والواقع المعاصر. القاهرة: دار النهضة العربیه.
 صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله. (۱۳۹۴). مختصر حقوق خانواده. تهران: نشر میزان.

- طوسی، شیخ علی بن حسن. (۱۳۸۷ ق). المبسوط فی فقه امامیه. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- عاملی، شیخ حر. (بی تا). وسائل الشیعه. کتاب نکاح، بیروت: احیاء التراث، ج ۱۴
- عباسی فرد، آهنگری، پاشازاده، بهزادی و دیگران. تحولات و نوآوری‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در مورد مهریه. مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی سال نهم پاییز و زمستان ۱۳۹۵ شماره ۲ (پیاپی ۱۸)
- عینی، ابومحمد بدرالدین. (۱۴۲۰ ق). البنایه شرح الهدایه. بی جا: دارالکتب العلمیه.
- غراب، ع. (۱۹۸۶). مخالفه الاحکام الشرعیة للاحکام الوضعیه. قاهره: دارالکتاب.
- القانون رقم ۱ لسنة ۲۰۰۰ بشأن تنظيم بعض أوضاع التقاضی فی مسائل الأحوال الشخصية، مصر. أرشيو قوانين مصر در الموقع الرسمي لمجلس النواب المصري یا المركز القومي للمعلومات القضائية. <https://www.parliament.gov.eg/>
- القدوری، ابوالحسین. (۱۴۱۸ ق). مختصر القدوری فی الفقه الحنفی. ج ۱، بی جا: دار الکتب العلمیه.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸). دوره حقوق مدنی خانواده. جلد اول روابط زن و شوهر نکاح و طلاق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲). اعمال حقوقی قرارداد؛ ایقاع. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۴). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: نشر میزان.
- کاسانی الحنفی، مسعود بن احمد. (۱۴۰۶ ق). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بی جا: دارالکتب العلمیه.
- الکاسانی، علاء الدین. (۱۹۸۶). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۷). بررسی فقهی حقوق خانواده؛ نکاح و انحلال آن. تهران: مرکز نشر علوم انسانی.
- مرسی، محمد کامل و البدرای، عبد المنعم. (۲۰۱۰). الأحوال الشخصية للمسلمین. (الطبعة الثالثة). القاهرة: دار النهضة العربية.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۳۷۹). الفقه علی مذاهب الخمسه. جزء دوم، ترجمه مصطفی جباری و حمید مسجدسرای. تهران: ققنوس.
- مناقبی، محمدتقی. (۱۳۸۶). احوال شخصیه و قلمرو آن در فقه حقوق و نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی. سفیر، ش ۱، دوره ۲، صص ۱۵۷ - ۱۸۹.
- موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۹۲). ترجمه تحریر الوسیله. ج ۲، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- نجفی، شیخ محمد حسن. (۱۳۶۲). جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام. بی جا: دارالاحیاء التراث العربی.
- یکدانه، محمدرضا، (۱۳۷۶). مهرالمثل در حقوق مدنی ایران مصر و سوریه. پایان نامه دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- الموسوعة القانونية لوزارة العدل المصرية. (۲۰۲۱). <https://emj-eg.com.emj-eg.com>
- وبسایت رسمی محکمه النقض مصر. <https://www.sccourt.gov.eg.sccourt.gov.eg>
- پایگاه داده حقوقی <https://sub.eastlaws.com.sub.eastlaws.com>
- پورتال حقوقی دولت مصر. <https://www.egypt.gov.eg.hrlibrary.law.umn.edu>
- المجلة الدولية للفقه والقضاء والتشريع. <https://ijdj1.journals.ekb.eg.ijdj1.journals.ekb.eg>

چکیده تفصیلی

مهریه به‌عنوان یکی از نهادهای مهم حقوق خانواده در فقه اسلامی و نظام‌های حقوقی معاصر، جایگاهی بنیادین در تنظیم روابط زوجین دارد و نقش تعیین‌کننده‌ای در تحکیم بنیان خانواده و تأمین حقوق مالی زنان ایفا می‌کند. این نهاد، علاوه بر جنبه مالی، کارکرد اجتماعی و اخلاقی دارد و به‌عنوان ابزار قانونی، هم روابط زوجین را تنظیم می‌کند و هم از تزییع حقوق مالی زن جلوگیری می‌نماید. از دیدگاه فقه اسلامی، مهریه ملک زن محسوب می‌شود و به‌محض انعقاد عقد نکاح، مالکیت آن به زن منتقل می‌شود؛ با این حال، تحقق کامل این حق و امکان استیفای آن به شرایطی همچون وقوع دخول، استمرار عقد و بقای عین مهر وابسته است. پرسش محوری پژوهش آن است که ضمانت اجرای مهریه در شرایط مختلف چگونه تبیین می‌شود و زوجین در برابر آنچه مسئولیت‌هایی دارند. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی - تطبیقی و بر اساس روش کتابخانه‌ای و اسنادی، قواعد فقه امامیه و فقه حنفی در خصوص مهریه را بررسی کرده و سپس با تحلیل قوانین مدنی ایران و قوانین احوال شخصیه مصر، مقایسه تطبیقی دو نظام حقوقی را ارائه می‌دهد. در این مسیر، منابع کلاسیک فقهی، آرای فقهای شیعه و اهل سنت و قوانین موضوعه ایران و مصر مورد استناد قرار گرفته‌اند تا ابعاد مختلف مسئولیت زوجین در قبال مهر از حیث ضمانت اجرا روشن شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران، مبتنی بر فقه امامیه، ضمانت اجرای مهریه بیش از هر چیز به قاعده «ضمانید» مرتبط است. مطابق ماده ۱۰۸۴ قانون مدنی، اگر مهر عین معین باشد و پیش از تسلیم درید زوج تلف یا معیوب شود، زوج ضامن است و مکلف به پرداخت مثل یا قیمت آن خواهد بود. افزون بر این، در موارد سقوط یا تنصیف مهر نیز مواد ۱۰۹۲ و ۱۱۰۱ قانون مدنی تعیین تکلیف کرده‌اند؛ چنانچه طلاق قبل از نزدیکی واقع شود، زن مستحق نصف مهر خواهد بود و در صورت فسخ نکاح پیش از نزدیکی به دلیل عیب یا تدلیس، اصل استحقاق مهر از بین می‌رود. بدین ترتیب، نظام حقوقی ایران میان موارد تلف، عیب و استرداد مهر تفکیک روشنی برقرار کرده است.

در نظام حقوقی مصر که بر فقه حنفی تکیه دارد، اصل ضمانت مهر به قاعده «تلف قبل از قبض» بازمی‌گردد. بدین معنا که اگر مهر عین معین باشد و پیش از تسلیم تلف شود، ضمانت آن بر عهده زوج است و زن حق مطالبه بدل یا قیمت را دارد. در عین حال، فقه حنفی به قاعده قبض توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد؛ زیرا مالکیت زن بر مهر پیش از قبض بیشتر جنبه دینی دارد تا مالی و تحقق کامل سلطه مالی او منوط به تحویل است. قوانین مصر نیز این رویکرد را بازتاب داده‌اند: قانون شماره ۲۵ سال ۱۹۲۹ و قانون شماره ۱ سال ۲۰۰۰ ضمن تأکید بر مالکیت زن بر مهر، ضمانت اجرای متناسب را در صورت فوت، طلاق پیش از دخول یا فسخ نکاح پیش‌بینی کرده‌اند.

یافته‌های تطبیقی نشان می‌دهد که هر دو نظام، اصل مالکیت زن بر مهر از لحظه عقد را پذیرفته‌اند، اما در خصوص شرایط سقوط یا تنصیف آن تفاوت‌هایی وجود دارد. در ایران، قانون مدنی به‌صراحت بر نصف شدن مهر در طلاق قبل از نزدیکی و بر سقوط آن در برخی موارد فسخ نکاح تأکید دارد؛ در حالی که در مصر، ملاک اصلی قبض و تلف قبل از قبض است و تنصیف یا سقوط بیشتر بر اساس قواعد عمومی فقه حنفی تحلیل می‌شود. همچنین، در ایران مسئولیت زوج در قبال مهر مطلق‌تر تفسیر می‌شود؛ به این معنا که حتی در صورت ناتوانی مالی، مرد مکلف

به پرداخت مهر است و تنها می‌تواند تقاضای تقسیط کند. در مقابل، در مصر رویکردی انعطاف‌پذیرتر دیده می‌شود که متأثر از قواعد فقهی و شرایط اجتماعی است.

بررسی جزئی‌تر حقوق ایران نشان می‌دهد که زوج از زمان وقوع عقد، ضامن مهر است؛ یعنی به محض تحقق عقد نکاح، زن مالک مهر می‌شود و شوهر موظف به تسلیم آن است. اگر عین معین مهر پیش از قبض تلف شود، زوج ضامن است و موظف به پرداخت مثل یا قیمت آن می‌باشد. همچنین، اگر مهر معیوب باشد، زن می‌تواند آن را رد کرده و مهر سالم یا معادل آن را مطالبه کند. این مقررات بر اساس قاعده «ضمانید» و مبانی فقه امامیه تنظیم شده و در مقام حمایت از حقوق مالی زن تفسیر می‌شود. در مقابل، در حقوق مصر نیز، اصل مالکیت زن بر مهر پذیرفته شده اما قاعده «تلف قبل از قبض» اهمیت ویژه‌ای دارد و زن در صورت تلف یا معیوب بودن مهر حق مطالبه بدل یا قیمت دارد.

در موضوع استرداد مهریه، در حقوق ایران اگر عقد نکاح باطل باشد یا قبل از دخول فسخ گردد، زن موظف به استرداد مهریه است، مگر آنکه مهر به سبب دخول مستقر شده باشد. ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی تصریح می‌کند که در صورت بطلان نکاح و جهل زن به بطلان، مستحق مهرالمثل است. همچنین در طلاق قبل از دخول، زن تنها مستحق نصف مهر است و باید نصف دیگر را به زوج بازگرداند. در حقوق مصر نیز قاعده مشابهی حاکم است؛ اگر جدایی پیش از دخول رخ دهد، زن تنها نصف مهر را دریافت می‌کند و در صورت بطلان عقد یا فسخ آن پیش از دخول، اصل بر استرداد مهر یا سقوط آن است. این تشابه نشان می‌دهد که هر دو نظام در ایجاد توازن میان حقوق زن و تکلیف مرد، قواعدی پذیرفته‌اند که هم مانع تضییع حقوق زن می‌شود و هم زوج را بی‌جهت متحمل خسارت نمی‌کند.

در موضوع سقوط مهریه، حقوق ایران مواردی مانند طلاق قبل از دخول، بطلان عقد و بذل مهر توسط زن را به رسمیت شناخته است. در این موارد، یا کل مهر ساقط می‌شود یا بخشی از آن تنصیف می‌گردد. ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد که در طلاق قبل از نزدیکی، زن مستحق نصف مهر خواهد بود. حقوق مصر نیز در همین موارد حکم به سقوط یا تنصیف داده است، اما مبانی فقهی آن در فقه حنفی ریشه دارد. تفاوت مهم میان دو نظام آن است که در ایران، برخی موارد سقوط به صورت جزئی و با توجه به اوضاع و احوال خاص تفسیر می‌شود، حال آنکه در مصر، مقررات به دلیل اتکای بیشتر بر نصوص فقهی حنفی، شفاف‌تر و محدودتر است.

نتیجه‌گیری کلی پژوهش آن است که مهریه ماهیتی فرعی بر عقد نکاح دارد و برخلاف عقود مالی، جنبه معاوضی ندارد. با این حال، برای تضمین حقوق مالی زن و ایجاد توازن در روابط زوجین، قواعد ضمانت و مسئولیت در قبال آن اهمیت بسزایی یافته است. در ایران و مصر، هرچند تفاوت‌هایی در مبانی و تدوین قوانین وجود دارد، در عمل، نتیجه مشترک حمایت از حقوق زن و الزام شوهر به ایفای تعهد مالی آشکار است. این حمایت، ضمن آنکه به زن امنیت مالی می‌بخشد، تکلیف مرد را در قبال پرداخت مهریه تقویت کرده و از این طریق، به ایجاد توازن در حقوق و تکالیف زوجین کمک می‌کند. از سوی دیگر، مقررات مربوط به سقوط یا تنصیف مهریه مانع آن می‌شود که مرد بدون استفاده از حق خود متحمل بار مالی مضاعف گردد؛ بنابراین، هر دو نظام حقوقی کوشیده‌اند میان «حق زن بر مهر» و «تکلیف مرد به پرداخت آن» و «لزوم رعایت انصاف و عدالت در شرایط خاص» تعادل برقرار کنند. این تعادل،

در نهایت به تحکیم بنیان خانواده و تضمین حقوق زوجین می‌انجامد و نقش کلیدی در پایداری روابط خانوادگی ایفا می‌کند.

Extended Abstract

Mahr constitutes one of the most significant financial institutions within Islamic family law and occupies a central position in both classical jurisprudence and contemporary personal status systems. Beyond its traditional characterization as a financial obligation arising from marriage, mahr functions as a legal mechanism intended to preserve the economic security of the wife, regulate the financial consequences of marital relations, and maintain equilibrium between the reciprocal rights and obligations of spouses. In Islamic jurisprudence, mahr differs fundamentally from contractual consideration in commercial transactions, since marriage is not interpreted as a purely reciprocal proprietary contract. Nevertheless, mahr creates binding pecuniary effects and enforceable obligations that directly influence the proprietary rights and liabilities of spouses. Consequently, the determination of the legal effects of mahr, the scope of the husband's financial liability, and the circumstances governing its destruction, restitution, reduction, or forfeiture constitute major subjects of jurisprudential and legislative debate within Islamic legal systems. From the perspective of Imamiyya jurisprudence, mahr becomes the exclusive property of the wife immediately upon the conclusion of a valid marriage contract, although the stabilization of some legal consequences may depend upon consummation and continuation of marital relations. In Hanafi jurisprudence, while the wife's entitlement likewise arises from the contract, greater emphasis is placed upon delivery (qabd) as the basis for effective financial control and realization of ownership. These doctrinal distinctions have produced important differences in the legal treatment of destruction, defect, restitution, and forfeiture of mahr in contemporary legal systems influenced by different schools of Islamic jurisprudence. Accordingly, the central issue examined in this study concerns the manner in which enforcement mechanisms relating to mahr are conceptualized and implemented under different legal circumstances and the extent to which spouses bear responsibility with regard to the preservation, payment, restitution, or reduction of mahr obligations. This study adopts an analytical-comparative methodology based on documentary and library research. It initially examines the jurisprudential foundations of mahr within Imamiyya and Hanafi legal thought and subsequently undertakes a comparative analysis of the Iranian Civil Code and Egyptian personal status legislation. Classical jurisprudential authorities, doctrinal opinions of Shia and Sunni jurists, statutory provisions, and judicial interpretations within both systems are employed to clarify the legal consequences arising

from destruction, defect, restitution, forfeiture, and enforcement of mahr. Particular attention is devoted to identifying the theoretical foundations governing spousal liability and assessing the incorporation of jurisprudential doctrines into modern codified family law.

The findings indicate that within the Iranian legal system, which is primarily derived from Imamiyya jurisprudence, the enforceability of mahr is grounded in the doctrine of “guarantee of possession” (Ḍamān al-Yad). According to this principle, once the husband becomes obligated to deliver the mahr, he assumes responsibility for its preservation until effective transfer occurs. Article 1084 of the Iranian Civil Code provides that where the mahr consists of a specified item destroyed prior to delivery, the husband remains liable to provide either an equivalent substitute or its monetary value. This rule confirms the proprietary nature of the wife’s entitlement and demonstrates that the husband’s obligation survives destruction of the original property. Iranian law also carefully distinguishes between destruction, defect, reduction, and forfeiture depending upon the circumstances surrounding the marital relationship. Articles 1092 and 1101 of the Iranian Civil Code establish differentiated rules concerning divorce before consummation, annulment of marriage, and defective marital relations. Under Article 1092, where divorce occurs before consummation, the wife becomes entitled to only half of the stipulated mahr, while the remaining portion must be returned to the husband. Similarly, annulment before consummation generally extinguishes entitlement to mahr unless the wife acted in good faith and remained unaware of the invalidity of the marriage, in which case she may claim mehr al-mithl. These provisions demonstrate that Iranian law conceptualizes mahr not merely as a debt obligation but as a juridical institution whose financial effects are closely connected to consummation and continuation of marital relations. By contrast, the Egyptian legal system, substantially influenced by Hanafi jurisprudence, approaches the enforcement of mahr through the doctrine commonly referred to as “loss before delivery.” Under this principle, if the mahr consists of a specified item that perishes before effective delivery, liability remains with the husband, and the wife may demand either a substitute or monetary compensation. Hanafi jurisprudence places particular emphasis upon qabd (delivery and possession), treating effective transfer as central to the wife’s complete financial dominion over the mahr property. Egyptian personal status laws, including Law No. 25 of 1929 and Law No. 1 of 2000, reflect this orientation by affirming the wife’s proprietary entitlement while regulating the legal consequences of destruction, divorce, annulment, and death according to Hanafi principles.

Comparative analysis demonstrates that despite doctrinal differences, both Iranian and Egyptian legal systems recognize the wife’s ownership of mahr from the moment of marriage and impose

enforceable financial obligations upon the husband. Nevertheless, the two systems diverge regarding the doctrinal basis of liability and the legal conditions governing reduction or forfeiture. Iranian law adopts a more explicit and codified approach by directly regulating halving of mahr, annulment prior to consummation, destruction of specified property, and restitution obligations. Egyptian law, however, relies more heavily upon general Hanafi jurisprudential principles and grants courts comparatively broader interpretive flexibility. Moreover, Iranian law generally imposes stricter financial liability upon the husband, since economic incapacity does not extinguish the obligation to pay mahr, whereas Egyptian law adopts a relatively more flexible approach influenced by equitable considerations and social circumstances. A closer examination of Iranian law demonstrates that the husband's liability regarding mahr arises immediately upon conclusion of the marriage contract. The wife acquires proprietary entitlement independently of consummation, and the husband assumes a binding obligation to deliver the stipulated property. Where the mahr becomes defective prior to delivery, the wife may reject it and demand replacement or compensation. These rules, grounded in Imamiyya jurisprudential principles concerning possession and liability, primarily aim to safeguard women's financial rights and prevent diminution of their proprietary interests. Similarly, Egyptian law recognizes the wife's proprietary entitlement from the time of marriage while emphasizing the legal consequences of destruction or loss prior to delivery. In such cases, the wife retains the right to claim substitute property or compensation corresponding to the value of the destroyed mahr. With respect to restitution, both legal systems establish mechanisms intended to preserve fairness between spouses and prevent unjust enrichment. Under Iranian law, if the marriage is annulled or dissolved prior to consummation, the wife is generally required to restore the mahr unless consummation has already vested the entitlement irrevocably. Likewise, in divorce occurring before consummation, only half of the stipulated mahr remains payable to the wife. Egyptian law adopts a substantially similar approach by limiting the wife's entitlement to half of the mahr in cases of pre-consummation separation and by recognizing forfeiture or restitution obligations where annulment occurs before consummation. These similarities indicate that both systems seek to reconcile protection of the wife's financial rights with equitable limitation of the husband's obligations where the marital relationship has not fully materialized.

The issue of forfeiture likewise occupies an important position within both legal systems. Iranian law recognizes several circumstances in which mahr may be partially reduced or entirely forfeited, including divorce prior to consummation, annulment of marriage, invalidity of the marital contract, or voluntary remission by the wife. Article 1092 expressly codifies the principle of halving mahr

in cases of pre-consummation divorce, while other provisions regulate forfeiture arising from annulment or invalidity. Egyptian law similarly recognizes forfeiture or reduction based upon Hanafi jurisprudential doctrines. However, Iranian courts may occasionally interpret forfeiture provisions more flexibly according to particular factual circumstances, whereas Egyptian adjudication generally remains more closely confined to established Hanafi doctrinal formulations. The overall findings of this study demonstrate that mahr, despite its ancillary relationship to the marriage contract and its distinction from reciprocal obligations in commercial transactions, constitutes a sophisticated legal institution designed to balance proprietary rights, marital obligations, and principles of fairness within family law. Both Iranian and Egyptian legal systems, notwithstanding differences in jurisprudential methodology and legislative codification, converge upon a common objective: the protection of women's financial rights and the imposition of enforceable obligations upon husbands concerning payment and preservation of mahr. At the same time, both systems attempt to prevent disproportionate financial burdens upon husbands by recognizing circumstances warranting reduction, restitution, or forfeiture. Ultimately, the comparative analysis demonstrates that the legal regulation of mahr serves not merely a financial function but also a broader social and juridical purpose within Islamic family law. By establishing enforceable mechanisms governing payment, destruction, restitution, and forfeiture, both Iranian and Egyptian legal systems seek to preserve equilibrium between spouses, reinforce financial responsibility within marriage, and prevent arbitrary deprivation of proprietary rights. This equilibrium contributes to the stability of marital relations, the protection of women's economic security, and the broader objective of safeguarding justice and fairness within the family structure.

